
پرسش ها و پاسخ ها
پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

احکام؛ نماز؛ نمازهای واجب یومیّه

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش نویسنده: مهدی تاریخ: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

آیا می‌توان در قنوت نماز به فارسی با خدا مناجات کرد؟

پاسخ تاریخ: ۱۳۹۵/۱۲/۱۹

مناجات با خداوند در غیر نماز به هر زبانی جایز است، ولی در نماز بایسته است که به زبان عربی باشد و این نظر عموم اهل علم به استثنای ابو حنیفه از اهل سنّت و بسیاری از اهل تشیّع است و دلیل اینان چیزی جز اصل اباحه و اطلاق نیست؛ با این تقریر که هر چیزی مباح است، تا آن گاه که نهیی از خداوند درباره‌ی آن برسد، در حالی که نهیی از خداوند درباره‌ی مناجات در نماز به زبان غیر عربی نرسیده و در روایتی آمده است: «لَا بَأْسَ أَنْ يَتَكَلَّمَ الرَّجُلُ فِي صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ بِكُلِّ شَيْءٍ يُنَاجِي بِهِ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»[1]؛ «اشکالی ندارد که انسان در نماز فریضه هر چیزی که با آن با پروردگارش مناجات می‌کند را بر زبان آورد»، ولی انصاف آن است که این سهل‌انگاری در استدلال است؛ چراکه اولاً اصل درباره‌ی عبادات، توقیفی بودن آن‌هاست؛ به این معنا که هیچ عملی در آن‌ها جز با بیانی از خداوند جایز نیست؛ با توجّه به اینکه قصد قربت در آن‌ها شرط است و بدون وجود امری از خداوند امکان ندارد؛ بر خلاف عادات و معاملات که اصل درباره‌ی آن‌ها اباحه است، تا آن گاه که نهیی از خداوند درباره‌ی آن‌ها برسد و این در حالی است که بیانی از خداوند برای غیر عربی گفتن در نماز نرسیده، بلکه بیان رسیده حاکی از وجوب تأسّی به پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم در نماز است؛ چنانکه رسیده است: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»[2]؛ «نماز بگزارید بدان سان که دیدید من نماز می‌گزارم»، در حالی که

۱ . من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج۱، ص۳۱۶

۲ . مسند الشافعي، ص۵۵؛ سنن الدارمي، ج۱، ص۲۸۳؛ صحيح البخاري، ج۱، ص۱۵۵؛ صحيح ابن خزيمة، ج۱، ص۲۹۵؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج۲، ص۳۴۵

دیده نشده است آن حضرت به غیر عربی نماز گزارد یا به این کار اذن دهد؛ ثانیاً روایت رسیده درباره‌ی جواز گفتن هر چیزی در نماز برای مناجات با خداوند، در مقام بیان موضوع مناجات است نه زبان آن؛ به این معنا که انسان می‌تواند با پروردگارش در نماز درباره‌ی هر چیزی که می‌خواهد سخن بگوید اگرچه چیزی دنیوی و حقیر باشد، یا به این معنا که گفتن هر چیزی در نماز هرگاه در سیاق مناجات با خداوند باشد، مبطل نماز نیست، بر خلاف چیزی که خطاب به مردم باشد؛ چنانکه در روایتی رسیده است: «إِنَّ هَذِهِ الصَّلَاةَ لَا يَصْلَحُ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ كَلَامِ النَّاسِ»[1]؛ «هرآینه این نماز چیزی از سخن گفتن با مردم در آن نیست» و در روایت دیگری رسیده است: «كُلُّ مَا نَاجَيْتَ بِهِ رَبَّكَ فِي الصَّلَاةِ فَلَيْسَ بِكَلَامٍ»[2]؛ «هر چیزی که با آن در نماز با پروردگارت مناجات کنی سخن گفتن محسوب نمی‌شود»، در حالی که عدم بطلان نماز با کاری به معنای استحباب بلکه جواز آن نیست، مانند عدم بطلان نماز با تکتّف یا التفات یا آب دهان انداختن در قبله یا گام برداشتن بدون ضرورت که کارهایی مکروه یا حرامند و روشن است که منصرف بودن روایت به این معنا اطلاقی برای آن باقی نمی‌گذارد؛ ثالثاً از هیچ یک از اصحاب پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم نرسیده است که چیزی از نماز را به غیر عربی خوانده باشد، در حالی که میان آنان افراد غیر عربی مانند سلمان فارسی، بلال حبشی و صهیب رومی بودند؛ همچنانکه بسیاری از اصحاب اهل بیت پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم نیز غیر عرب بودند، ولی از هیچ یک نرسیده است که در نماز خود به غیر عربی چیزی گفته یا درباره‌ی آن از اهل بیت پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم سؤالی کرده باشد و این گواه بر آن است که عدم جواز گفتن چیزی در نماز به غیر عربی نزد آنان مسلّم بوده است؛ رابعاً تردیدی نیست که اگر کسی در نماز با زبان عربی مناجات کند، ذمّه‌ی خود را بری ساخته است، ولی تردید است که اگر کسی در آن با زبان غیر عربی مناجات کند، ذمّه‌ی خود را بری ساخته باشد، در حالی که از نظر عاقلان اشتغال ذمّه‌ی یقینی به برائت ذمّه‌ی یقینی نیاز دارد و با این وصف، مناجات در نماز با زبان غیر عربی عاقلانه نیست.

این علّت وجوب مناجات با خداوند در نماز با زبان عربی است و حکمت آن این است که از یک سو نماز مظهر وحدت و نماد یکپارچگی مسلمانان از سرزمین‌های گوناگون است و هماهنگی و همزبانی آنان با هم در آن اهمّیت، بلکه چه بسا موضوعیّت دارد؛ خصوصاً با توجّه به اینکه مطلوب، حضور آنان از زبان‌های مختلف در جماعتی واحد است و مناجات با معبودی واحد در صفوفی واحد با زبانی واحد شکوهمندتر است و دل‌های مسلمانان را نزدیک‌تر و دل‌های دشمنانشان را هراسان‌تر می‌کند و از سوی دیگر زبان عربی فصاحت و بلاغت بیشتری دارد و

۱ . مسند أحمد، ج۵، ص۴۴۷؛ سنن الدارمي، ج۱، ص۳۵۴؛ صحيح مسلم، ج۲، ص۷۰؛ سنن أبي داود، ج۱، ص۲۱۱؛ سنن النسائي، ج۳، ص۱۷

۲ . من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج۱، ص۳۱۷

معانی دقیق‌تر و عمیق‌تری را منتقل می‌کند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾[1]؛ «هرآینه ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم باشد که شما تعقّل کنید» و فرموده است: ﴿بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾[2]؛ «به زبان عربی گویا» و با این وصف، ستایش و خواندن خداوند با آن در نماز سزاوارتر است.

از اینجا دانسته می‌شود که اگر کسی در نماز عمداً و با وجود توان مناجات به زبان عربی، با زبان غیر عربی مناجات کند، کار بدی کرده است؛ نه از آن جهت که در نماز مناجات کرده؛ زیرا بدیهی است که مناجات کردن در نماز کار بدی نیست، بل از آن جهت که بدون بیانی از خداوند و به شیوه‌ای مخالف با شیوه‌ی پیامبر، اهل بیت و مؤمنین در نماز مناجات کرده، مانند کسی که قرائت یا سجود یا تشهّدی را -با وجود خوب بودنشان در ذات خود- به نماز افزوده است؛ مگر آنکه از روی جهل یا فراموشی باشد؛ چراکه خداوند فرموده است: ﴿وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾[3]؛ «و بر شما گناهی در چیزی که به خطا انجام داده‌اید نیست، ولی در چیزی که دل‌هاتان تعمّد داشته است و خداوند آمرزنده‌ای مهربان است».
با این حال، به سختی می‌توان نماز چنین کسی را باطل دانست؛ زیرا مناجات در نماز اگرچه جزئی از آن است و به تبع آن نیاز به بیانی از خداوند دارد، از ارکان یا واجبات آن محسوب نمی‌شود و با این وصف، انجام آن با زبان فارسی بیشینه در حکم ترک آن است که مبطل نماز نیست؛ مگر اینکه گفته شود: خداوند به ترک آن اذن داده، ولی به انجام آن با زبان فارسی اذن نداده است و با این وصف، انجام آن با زبان فارسی در حکم ترک آن نیست، بل در حکم سخن گفتن عمدی در نماز است که مبطل نماز محسوب می‌شود، ولی این قیاس از آن جهت اشکال دارد که سخن گفتن عمدی در نماز خطاب به غیر خداوند است و مناجات در نماز با زبان فارسی خطاب به خداوند است و با این وصف، قیاس آن دو با هم قیاسی مع الفارق است. با این وصف، انصاف آن است که دلیلی برای بطلان نماز به سبب مناجات در آن با زبان فارسی وجود ندارد، بلکه عدم بطلان نماز به سبب گفتن اذکار واجب در آن با زبان فارسی نیز بعید نیست و مقتضای اصل در چنین حالاتی عدم بطلان است.

حاصل آنکه دعا کردن در نماز به زبان فارسی برای کسی که توان دعا کردن در آن به زبان عربی را دارد جایز نیست، ولی مبطل نماز محسوب نمی‌شود. با این وصف، کسی که توان دعا کردن در نماز به زبان عربی را ندارد، بهتر است که آن را فرا بگیرد و در عین حال، می‌تواند آن را ترک کند یا با زبان خودش دعا کند؛ زیرا دعا کردن در نماز -اگرچه واجب نیست- خیری است که

---

۱. الزّخرف/ ۳
۲. الشّعراء/ ۱۹۵
۳. الأحزاب/ ۵

فوت شدنش به سبب ناآشنایی با زبان عربی شایسته نیست و این ظاهر گفتار علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که یکی از یارانمان ما را از آن خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ الرَّجُلِ الْأَعْجَمِيِّ يَدْعُو فِي الصَّلَاةِ بِغَيْرِ الْعَرَبِيَّةِ، فَقَالَ: إِنْ يَعْلَمِ الْعَرَبِيَّةَ فَلْيَدْعُ بِالْعَرَبِيَّةِ وَإِنْ لَمْ يَعْلَمْهَا فَلْيَدْعُ بِمَا يَعْلَمُ وَقَالَ: يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ»؛

«از منصور درباره‌ی مرد غیر عرب‌زبان پرسیدم که در نماز به غیر عربی دعا می‌کند، پس فرمود: اگر عربی می‌داند باید به عربی دعا کند و اگر نمی‌داند باید به هر زبانی که می‌داند دعا کند و فرمود: قرآن را همان گونه می‌خواند که خداوند نازل کرده است».



